



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

ماتریالیسم

شناسنامه مطلب	
b-271-4	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
ماتریالیسم، ماده گرای، ماده باوری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

ماده باوری یا ماتریالیسم

تنقیح محل بحث:

به معنای اصالت ماده یعنی اینکه ماده در خارج وجود دارد و ساخته ذهن نیست و منشأ ترتب آثار واقعی است و در مقابل ایده‌آلیسم، محل نزاع ما نیست. محل نزاع ما، معنای مکتب اصالت ماده یعنی انحصار هستی در ماده و انکار ماوراء ماده است

از آن جهت که به ماده اصالت می‌دهد در مقابل ایده‌آلیسم است که اساس عالم را ایده و اندیشه مطلق می‌داند.

در زبان انگلیسی به ماده گرایی نیز (materialism) گویند که مد نظر ما نیست و جنبه اخلاقی دارد و منظورها ماده‌باوری است که بحثی اعتقادی می‌باشد.

ریشه تاریخی:

(حسب ادعای مادیون همراه جواب شهید مطهری به آنان^۱)

مادیین در نشریات خود تمام فلاسفه یونان از زمان ثالیس ملطی تا زمان سقراط را مادی می‌خوانند. بخیرآلمانی، مادی معروف قرن نوزدهم در مقاله پنجم از شرحی که بر نظریه داروین نوشته است و دکتر شبلی شمیل آن را به عربی ترجمه کرده است، بسیاری از فلاسفه از قبیل انکسیماندر (انکسیمندروس) و اناکسیمن (انکسیمانوس) و اکزینوفان (اکسینوفانوس) و هراکلیت (هرقلیطوس) و برمانید (برمانیدس) و امپدکلس (انباذقلس) و دیموکریت^۲ (ذیمقراطیس) را به این عنوان نام می‌برد.

ولی حقیقت این است که هیچک از این دانشمندان را نمی‌توان مادی به معنای منکر ماوراء الطبیعه خواند، هر چند این جماعت را در اصطلاح تاریخ فلسفه، «طبیعیون» یا «مادیون» می‌خوانند- در مقابل ریاضیون (فیثاغورسیان) که اصل عالم را عدد می‌دانستند و در مقابل سوفسطائیان که منکر وجود عالم خارج بودند- به اعتبار اینکه به يك ماده و اصل اولی در طبیعت قائل بوده‌اند؛ مثلاً ثالیس ماده‌المواد را آب و انکسیمندروس هیولای مبهمه و انکسیمانوس هوا و هرقلیطوس آتش و انباذقلس عناصر چهار گانه و ذیمقراطیس ذرات كوچك غیر قابل تقسیم می‌داند و همه این دانشمندان حوادث طبیعت را با علل طبیعی توجیه می‌کردند ولی هیچگونه دلیلی در دست نیست که این دانشمندان منکر ماوراء الطبیعه بوده‌اند.

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۶ مقدمه ص: ۲۷

۲- در یونان دمکریست اساس هستی را اتم یا همان جزو لایتجری می‌دانست که علم جدید آن را تایید کرد.

افلاطون و ارسطو در نوشته‌های خود از این اشخاص خیلی نام برده‌اند ولی هرگز آنها را منکر ماوراء الطبیعه نخوانده‌اند.

آنچه مادیین و بعضی از نویسندگان دیگر به آن استناد می‌کنند ارتباطی به نفی ماوراء الطبیعه ندارد.

تعریف:

لنین می‌گوید: «ماده مقوله‌ای فلسفی است برای تعیین واقعیت عینی خارجی که محوسات انسان به وی از وجودش خبر میدهد و حواسی ما آن را کپی میکند عکاسی میکند. منعکس می‌سازد و خود آن مستقل از ما وجود دارد.»

شاخه‌های اصلی:

مکانیکی؛

پدیدآورنده: فویرباخ

توضیحی مختصر: با استفاده از مفاهیم فیزیک نیوتن، پیدایش پدیده‌های جهان را براساس حرکت مکانیکی، توجیه کردند و هرحرکتی را معلول نیروی محرکه خاصی می‌دانستند که ازخارج، وارد جسم متحرک شود. توجیه اتفاقات جهان با تغییرات کمی بود.

دیالکتیکی؛

پدیدآورنده: کارل مارکس

توضیح مختصر: ماتریالیسم دیالکتیک با توجه به فلسفه مادی و منطق هگلی بر آن است که هر پدیده‌ای مرکب از دو ضد (تضاد) است و تضاد آنها موجب حرکت و دگرگون شدن پدیده‌ها می‌شود تا اینکه آنتی‌تزیغالب گردد و پدیده جدیدی که سنتز نام دارد بوجود آید. توجیه اتفاقات جهان شکل تغییرات کیفی به خود می‌گیرد.

اصول نظری ماتریالیسم در مورد اشیا و پدیده‌ها:

همه آنها مادی هستند و ماده منحا‌ز و مستقل از شعور ما وجود دارد و مفهوم ماده مفهوم جامع بین همه موجودات است. همه آنها با توجه به خواص خود روی ارگان حس ما اثر گذاشته و احساس ویژه خود را ایجاد می‌کنند. جهان ابدی و ازلی است زیرا ماده معلول نیست. ماده مبنای وحدت در جهان هستی است. جهان غایت ندارد زیرا بر شعور مقدم است. تنها شناختی معتبر است که منشأش حس باشد.

آثار قول به اصالت ماده:

در عرصه فیزیک، نجوم و مانند آن؛

همه چیز را با فعل و انفعالات شیمیایی و حوادثی مثل انفجار بزرگ میتوان توجیه کرد .

در عرصه زیست شناسی؛

حیات همان ترقی ترکیبات غیرآلی به ترکیبات آلی است که درازمایشگاه نیزرخ داد و به دست آمد.

در عرصه روانشناسی و مانند آن؛

یک سری فعالیت فیزیولوژیک در توده معینی از سلول های مغز رخ داده است .

در عرصه علوم اجتماعی ؛

این قسمت در ماتریالیسم مکانیکی معضل بوده که در ماتریالیسم دیالکتیکی به آن پاسخ داده شد. تولید ماده (کار)، وحدت جامعه را توجیه می کند و روابط اقتصادی بنیاد پدیده های اجتماعی است. نظریه دیالکتیک تاریخی که در تاریخ بشر از مهمترین مباحث مطروحه است، از اینجا شروع می شود

برخی از علل گرایش به مادیگری^۱:

نقش سوء کلیسا (نارسایی مفاهیم دینی در عرصه رنسانس – خشونت کلیسا)

نارسایی مفاهیم فلسفی غرب

نارسایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی غرب

محیط اخلاقی و اجتماعی فاسد و نامسا

۱- (برگرفته از کتاب استاد شهید مطهری به همین نام)